

بررسی و نقد نظریات ژوزف الیاش در موضوع مرجعیت فقهی، سیاسی و اجتماعی

علما در دوران غیبت

مسعود زانری^۱

چکیده

ورود تخصصی مستشرقان به موضوع مهدویت، از جمله اموری است که از دهه‌های گذشته همواره قابل مشاهده و رصد بوده است. از میان تمام موضوعات مربوط به مهدویت، توجه ویژه به مباحث سیاسی - اجتماعی، حقیقتی است که در بسیاری از مکتوبات مستشرقان قابل مشاهده و رصد است. در این بین ژوزف الیاش، محقق یهودی تباری است که با تمرکز بر تراث اسلامی و با تکیه بر روایات شیعی به بررسی تخصصی این موضوع پرداخته و نقدهایی بر جایگاه فقهی، سیاسی و اجتماعی علما در دوران غیبت وارد کرده است. مقبوله عمر بن حنظله، موضوع خمس، اختلاف بین اخباری‌ها و اصولی‌ها و موضوع وکلای اربعه، از جمله مواردی است که الیاش به بررسی و نقد آن‌ها پرداخته است. در این مقاله ضمن بیان دیدگاه‌ها و استدلال‌های وی، به بیان پاسخ اجمالی اشکالات وارد شده توسط او پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: مستشرقان، مهدویت، ژوزف الیاش، جایگاه علما، دوران غیبت.

مقدمه

اندیشمندان جهان غرب از گذشته تا به امروز به تحقیق در موضوعات اسلامی پرداخته‌اند که می‌توان نخستین اقدام در این زمینه را در زمان فتح آندلس به دست مسلمانان دانست؛^۱ اما در خصوص موضوع مهدویت، می‌توان گفت سابقه این امر به حدود دو قرن پیش باز می‌گردد. بررسی آثار مستشرقان، ما را به این مهم رهنمون می‌کند که آن‌ها با گذر زمان و به ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نسبت به موضوعات سیاسی قابل طرح ذیل مبحث مهدویت، گرایش ویژه‌ای پیدا کرده‌اند. مستشرقانی همچون ژورف الیاش^۲ اسرائیلی، ویلفرد مادلونگ^۳ آلمانی، حامد الگار^۴ انگلیسی، هاینس هالم^۵ آلمانی، اتان گلبرگ^۶ اسرائیلی و کولین ترنر^۷ انگلیسی، از جمله افرادی بوده‌اند که به طور خاص در مورد مباحث سیاسی مطرح شده در ذیل موضوع مهدویت به تحقیق و پژوهش پرداخته‌اند.

از جمله موضوعات مهم در این زمینه، جایگاه فقهی، سیاسی و اجتماعی علما در دوران غیبت می‌باشد. تاثیر گذاری فراوان و ملموس این موضوع در فضای جامعه اسلامی، موجب شده است تا مستشرقان به طور ویژه‌ای به تحقیق در این باره پرداخته و آثار متعددی را در این زمینه به رشته تحریر درآورند.

از سوی دیگر، یکی از خصوصیات بارز مستشرقان نام برده، تسلط نسبتاً مناسب بر منابع شیعی و استفاده از آن‌ها در تحقیقات خود می‌باشد. به عنوان نمونه، الیاش در مکتوبات خود ضمن بررسی مقبوله عمر بن حنظله، به بیان ارزش و جایگاه کتاب کافی نزد شیعیان می‌پردازد و بیان

۱. الدسوقی، الفکر الإستشراقی، ص ۲۹.

2. Joseph Eliash
3. Wilferd Madelung
4. Hamed Algar
5. Heinz Halm
6. Etan kohlberg
7. Colin P. Turner

می‌کند که این کتاب را چندین مرتبه مطالعه کرده است و بر آن تسلط کامل دارد.^۱ نیز ترنر از دیگر مستشرقانی است که با توجه به استنادات دقیق او به کتاب شریف بحار الانوار، می‌توان میزان تسلط وی را بر این کتاب را مشاهده کرد.

از جمله افراد شاخصی که در پژوهش‌های خود سعی کرده است تا حد امکان، پایبندی خود را نسبت به منابع شیعی حفظ کند؛ ژوزف الیاش بوده است. در مقاله پیش رو ضمن معرفی اجمالی او، سعی می‌شود به اهم مباحث و استدلال‌هایش در موضوع جایگاه علما در دوران غیبت پرداخته و به آن پاسخ داده شود.

الیاش، مستشرق یهودی تبار

ژوزف الیاش^۲، محقق و دانشمند یهودی تبار و متولد سال ۱۹۲۳ میلادی در اورشلیم است. وی مدرک کارشناسی، و کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه عبری اورشلیم اخذ و پس از آن، مدرک دکتری خود را در رشته مطالعات اسلامی از دانشگاه لندن در سال ۱۹۶۷ دریافت کرد. وی پس از آن با کمک بنیاد مالی فورد^۳ توانست مدرک فوق دکتری خود را در مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه کالیفرنیا به اتمام رساند.^۴

از فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی الیاش می‌توان به استادبازی دانشگاه اوپلین، سرپرستی طرح مطالعات یهود و خاورمیانه کالج اوپلین، ارائه مقالات علمی در همایش‌های مختلف، از جمله کنفرانس بین‌المللی مطالعات یهود در اورشلیم (۱۹۷۶) و کنفرانس بین‌المللی خاورشناسان در پاریس (۱۹۷۳) اشاره کرد.^۵

الیاش به دلیل تسلط بر زبان عربی، در بیش‌تر فعالیت‌های علمی خود، مستقیماً به منابع

1. Eliash, Misconceptions regarding the Juridical Status of the Iranian "Ulama." International Journal of Middle East Studies, p. 13.

2. Joseph Eliash

3. Ford Foundation

4. <http://www.oberlin.edu/archive/holdings/finding/RG30/SG150/biography.html>

۵. حسینی، شیعه و شیعه پژوهان انگلیسی زبان، ص ۲۵۴.

اصیل اسلامی استناد کرده است. بیش‌ترین تمرکز فعالیت‌ها و آثار او نیز در مورد جایگاه علما و مرجعیت فقهی، سیاسی و اجتماعی آن‌ها در دوران غیبت امام معصوم می‌باشد. الیاش با مراجعه به منابع دست اول شیعی و همچنین رجوع به کتاب‌های فقه‌های معاصر، در تلاش برای به چالش کشیدن مرجعیت علما در دوران غیبت بوده است. وی در این زمینه دو مقاله "نظریه فقه‌های شیعه اثنا عشری درباره مرجعیت فقهی سیاسی"^۱ و "سوء تفاهماتی درباره جایگاه فقهی علمای ایرانی"^۲ را به رشته تحریر درآورده است که در ادامه تمرکز اصلی این نوشتار بر این موضوع قرار خواهد گرفت.

از دیگر آثار او می‌توان به مقاله "قرآن شیعی، بازنگری آرای گلدزیهر"^۳ اشاره کرد. وی در این مقاله، ضمن نقل آرا و استدلال‌های گلدزیهر در باب تحریف قرآن، بیان می‌کند که در منابع متقدم شیعی، از جمله کتاب کافی، و همچنین کلام بزرگان شیعه، همچون شیخ صدوق و شیخ مفید، روایات و مستندات دال بر تحریف قرآن وجود دارد. وی معتقد است، شیعیان بر این باورند که قرآن و مصحف حقیقی به همراه اضافات تفسیری، اکنون در دست امام دوازدهم آن‌هاست و هنگام ظهور، این قرآن به مردم عرضه خواهد شد.

الیاش همچنین مدخل امام حسن عسکری علیه السلام را در دایرة المعارف اسلام^۴ تالیف کرده است که در این مدخل، ضمن نقل مشخصات شناسنامه‌ای امام و تاریخ زندگانی ایشان، به طرح موضوع جانیشینی ایشان و اختلافات تاریخی در این موضوع می‌پردازد.^۵ قابل ذکر است که وی در این مدخل، به نقل این اختلافات بسنده کرده و هیچ قضاوتی در مورد اعتبار و عدم اعتبار آن‌ها انجام نداده است.

این مستشرق یهودی تبار، در مقاله‌ای دیگر، به معرفی و بررسی کتاب لاتین "شیعه در اسلام"

1. The Ithna'ashari-Shi'i Juristic Theory of Political and Legal Authority
2. Misconceptions regarding the Juridical Status of the Iranian 'Ulama'
3. 'The Ši. ite Qur. an' A Reconsideration of Goldziher's Interpretation
4. HASAN AL-'ASKARI, in The Encyclopaedia of Islam
5. Encyclopaedia of Islam, Second Edition- Ḥasan al-' Askari

علامه طباطبایی که توسط سید حسین نصر ترجمه شده است،^۱ می‌پردازد. وی همچنین مقاله‌ای درباره پیدایش و تکامل شهادت ثلاثه در شیعه اثنا عشری^۲ نوشته است که در آن، سعی در اثبات این مطلب داشته است که شهادت به امامت امیرالمومنین، در کنار شهادت به وحدانیت خداوند و نبوت پیامبر، امری است که از دوران صفویه و به سبب اقتضائات آن زمان به مکتب شیعه اضافه شده و با مفاد کتب اربعه شیعیان در تناقض است.

بررسی و نقد جایگاه علما در دوران غیبت

ژوزف الیاش در زمینه جایگاه علما در دوران غیبت و بررسی حیطه اختیارات و مسئولیت‌های ایشان در این دوران، دارای چندین تالیف از جمله دو مقاله و یک کتاب است که تمرکز وی بر این موضوع اساسی و مهم را نشان می‌دهد. الیاش با ترکیبی از دو نگاه تاریخی نگر و پدیدار شناسانه تلاش کرده است با نگاهی دقیق و مستند به تراث شیعی، جایگاه فقهی، سیاسی، اجتماعی آن‌ها را به چالش بکشد و مناصب ایشان را در دوران غیبت، جعلی و ساختگی معرفی کند.

این مستشرق یهودی تبار در بیان روش خود در تحقیق این موضوع، در ابتدای مقاله "سوء تفاهماتی درباره جایگاه فقهی علمای ایرانی" چنین بیان می‌کند:

مطالعات در موضوع قدرت سیاسی علما در ایران را می‌توان در سه دسته طبقه‌بندی کرد: ۱. تحلیل موقعیت‌های تاریخی که علما در آن نقش کلیدی ایفا کردند، مانند انقلاب مشروطه؛ ۲. بررسی جایگاه علما در میان توده‌های مردم؛ ۳. بررسی جایگاه علما بر اساس منابع اصیل فقهی و حدیثی شیعه.^۳

وی از میان این سه روش، گزینه سوم را انتخاب و سعی می‌کند احادیث شیعی را محور

1. Rev Shi'ite Islam by 'Allamah Sayyid Muhammad Husayn Tabataba'i and Seyyed Hossein Nasr
2. On The Genesis and Development of the Twelver-Shi'i Three-Tenet Shahi'adah
3. Eliash, Misconceptions regarding the Juridical Status of the Iranian 'Ulama', p. 9,10.

استدلال‌های خود قرار دهد و با استفاده از کتاب‌های حدیثی و فقهی، این مسئله را مورد بررسی و مذاقه قرار دهد. انتخاب این راه توسط الیاش از طرفی گویای دقت و صحت روش وی در نوع بررسی مسئله، و از سوی دیگر، گویای تسلط او بر منابع شیعی است. شاهد سخن آن که وی در جای جای مقالات خود به آثاری همچون کافی و من لا یحضره الفقیه استناد و احادیث آن‌ها را از حیث محتوا و حتی سند بررسی می‌کند.^۱

الیاش به عنوان اولین قدم در بررسی موضوع مورد نظر به اقوال چهار تن از بزرگان و اندیشمندان موافق جایگاه فقهی، سیاسی، اجتماعی علما در دوران غیبت می‌پردازد:

به نقل از پروفیسور ال بیندر:^۲

پس از رحلت نایب چهارم امام دوازدهم، غیبت کبرا و نمایندگی عمومی که در آن، همه علما وکیل امام هستند، شروع شد. این نمایندگی بر روایتی منسوب به امام جعفر صادق علیه السلام استوار است که می‌گوید همه کسانی که می‌توانند به عنوان قاضی بر مسلمانان عمل کنند و مفسر شریعت باشند؛ قبلاً از طرف او تعیین شده‌اند. از آن جا که امام جعفر را بنیانگذار فقه شیعه می‌دانند و شیعه دوازده امامی ایران را شیعه جعفری نیز می‌نامند؛ این سنت در تثبیت مرجعیت اهمیت مضاعف دارد. علمای شیعه تا زمانی که خداوند، امام پنهان خود را آشکار کند، به عنوان عامل و نایب او عمل می‌کنند، و وظایف امام را انجام می‌دهند.^۳

به نقل از حامد الگار:^۴

علما به عنوان رهبران دینی جامعه، جانشینان مشروع ولایت امام هستند.^۵

۱. الیاش در صفحه ۱۳ مقاله "سوء تفاهماتی درباره جایگاه فقهی علمای ایرانی" به مناسبت طرح مقبوله عمر بن حنظله، نسبتاً مفصل به مقایسه کتاب شریف کافی و صحیح بخاری می‌پردازد و کافی را در بردارنده شرح کاملی از نظریه سیاسی شیعه می‌داند. وی ادعا می‌کند تمام کتاب کافی را دقیقاً مطالعه کرده است و بر تمامی محتوای آن تسلط دارد.

2. Professor L. Binder

3. Eliash, Misconceptions regarding the Juridical Status of the Iranian 'Ulama', p. 10

4. Professor H. Algar

به نقل از آیت الله محمدرضا مظفر:

وی به حدیثی از امام جعفر صادق استناد می‌کند، مبنی بر این که مجتهد نه تنها نایب مطلق امام در امور دینی و موقت است، بلکه نافرمانی از او با ارتکاب گناه شرک، مساوی می‌باشد.^۱

به نقل از دکتر محمود شهابی:^۲

این دستور از امام غایب رسیده است که در غیبت طولانی، جاهلان باید به دستورها و عقاید دینی رهبران - که نایب عمومی نامیده می‌شوند - رجوع کنند. این فقها می‌توانند از دین محافظت کنند و مردم را از گناهان، فساد و امیال زمینی نجات دهند. چنین نایبان عامه‌ای که از منابع صحیح آگاهی کامل دارند، در دوران غیبت طولانی، مانند امام هستند و پیروی از آنان با پیروی از امام قابل مقایسه است.^۳

الیاش عقیده دارد این چهار شخصیت در بیان مدعای خود، یا مدرکی ارائه نمی‌کنند، و یا اگر مدرکی ارائه می‌کنند، مدرک آن‌ها از اثبات مدعا قاصر است. وی پس از این در بیان نظریه خود مبنی بر نقد نیابت عامه و جایگاه فقهی، سیاسی، اجتماعی علما در دوران غیبت به شکل مبسوطی ادله خود را ارائه می‌کند که در ادامه به نقل آن‌ها پرداخته خواهد شد:

استدلال اول: مقبوله عمر بن حنظله، قاصر از اثبات مدعا

الیاش، مهم‌ترین و شاید تنها دلیلی را که شیعیان در اثبات نیابت عامه و ولایت فقها استفاده

→

5. Eliash, Misconceptions regarding the Juridical Status of the Iranian 'Ulama' p. 10

1. Eliash, Misconceptions regarding the Juridical Status of the Iranian 'Ulama' p. 11

۲. دکتر محمود شهابی فیلسوف و فقیه و حقوقدان و استاد ممتاز دانشگاه تهران بود و در سال ۱۳۴۲ رئیس گروه فقه و حقوق این دانشگاه شد.

3. Eliash, Misconceptions regarding the Juridical Status of the Iranian 'Ulama', p. 11

می‌کنند، مقبوله عمر بن حنظله می‌داند. وی در بیان مصدر این روایت بیان می‌کند که مرحوم کلینی در کتاب کافی در دو قسمت مستقل به نقل این روایت پرداخته است: اولین مورد، در کتاب «فضل علم»^۱ است که کلینی به بیان کامل این روایت می‌پردازد؛ و دومین مورد، در باب "کراهت رجوع به حاکم جور برای قضاوت"^۲ است که صرفاً قطعه‌ای از حدیث را نقل می‌کند. استناد به این حدیث برای اثبات نیابت عامه، تنها در سایه تقطیع این روایت ممکن است و اگر روایت کامل را مورد بررسی قرار دهیم، متوجه می‌شویم که فضای کلی مطرح شده در حدیث در موضوع دیگری است و نمی‌تواند مستند ادعای شیعیان باشد. الیاش مطالعه دقیق روایت را به این موارد منتج می‌داند:

۱. موضوع کلی حدیث در مورد نظام مرجعیت و نیابت فقها نیست، بلکه در مورد سؤال شخصی از امام است مبنی بر این که هنگام نزاع و اختلاف، تکلیف شیعیان چیست. در حقیقت سوال از امر فرعی است؛ در حالی که موضوع مرجعیت فقها و نیابت آن‌ها از امور اصلی و اساسی می‌باشد؛^۳

۲. در حدیث تنها صحبت از منصب قضاوت است و امام نیز تنها همین منصب را جایز دانستند؛ اما در منصب قضاوت نیز میان شخص امام در مقایسه با فقها تفاوت‌های اساسی وجود دارد؛ از جمله:

- قضاوت امام که (از خطا مصون می‌باشد) و بر خلاف قضاوت فقها که ممکن الخطا هستند؛
- منشا نصب امام، انتخاب الاهی است؛ در صورتی که نصب فقیه برای منصب قضاوت بر عهده طرفین دعوا می‌باشد.

خلاصه سخن آن‌که الیاش، مقبوله عمر بن حنظله را مستند اثبات خصوص جایگاه قضاوت

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۶۹.

۲. همان، ج ۷، ص ۴۱۲.

3. Eliash, Misconceptions regarding the Juridical Status of the Iranian 'Ulama', p. 16

برای فقها می‌داند و سرایت آن به مناصب سیاسی، اجتماعی برای فقها را ثابت نمی‌داند.

استدلال دوم: انحصار حق حاکمیت در امام معصوم

الیاش معتقد است بر اساس منابع شیعی، شئون و اختیارات امامان به خود این اشخاص منحصر است و سرایت آن به افراد دیگر جایز نیست. وی به عنوان نمونه به دو شان مفسریت قرآن^۱ و حق حکومت^۲ اشاره می‌کند و با ادله روایی در اثبات انحصار آن‌ها در امامان سعی و تلاش دارد.^۳ الیاش در ادامه بیان می‌کند برای تبیین بهتر این بحث لازم است به تبیین مفهوم غیبت در شیعه پردازیم؛ زیرا شیعه معتقد است امام معصوم که مرجع خطا ناپذیر تفسیر شریعت و تنها شخص دارای شانیت حکومت است؛ زنده می‌باشد؛ هرچند دسترسی به او برای عموم شیعیان ممکن نیست. پس با توجه به زنده بودن او، انتقال قدرت و اختیارات ایشان به اشخاص دیگر خطا و برخلاف اصول اعتقادی شیعه است.

وی همچنین بر اساس بررسی تاریخی بیان می‌کند که در زمان غیب صغرای امام دوازدهم، چهار نایب برای امام معرفی شده بودند. مطالعه دقیق تاریخ و همچنین توقیعات و روایات موجود، ما را به این مهم رهنمون می‌سازد که جایگاه این نواب، صرفاً در حیطه انتقال پیام میان شیعیان و امام بوده است^۴ و به هیچ عنوان منصب مرجعیت علمی و همچنین مرجعیت سیاسی، اجتماعی که فقهای شیعه در دوران معاصر برای خود قائلند؛ دارا نبوده‌اند.^۵

علاوه بر این، در منابع شیعی روایاتی جود دارد که نافی واگذاری منصب نیابت برای هر

۱. الیاش با استناد به حدیث دوم باب اضطرار به حجت کتاب کافی، که قیم قرآن را امیرالمومنین معرفی کرده است، عقیده دارد شانیت تفسیر در انحصار علی و امامان بعد از اوست. (ر.ک: الکافی، ج ۱، ص ۱۶۹).

۲. در اثبات انحصار حق حکومت نیز به احادیثی استناد می‌کند که در آن‌ها شیعیان را از طلب ریاست و حکومت نهی کرده است. (به عنوان نمونه ر.ک: الکافی، ج ۲، ص ۲۹۸).

3. Eliash, The Ithna'ashari-Shi'i Juristic Theory of Political and Legal Authority, p. 23

۴. برای نمونه، ر.ک: ابن بابویه، کمال الدین ج ۲، ص ۵۰۵، ح ۳۶.

5. Eliash, Misconceptions regarding the Juridical Status of the Iranian 'Ulama', p. 17

شخصی، غیر از نواب اربعه است. به عنوان نمونه، در توقیعی که از ناحیه امام برای آخرین نایب خود، یعنی علی بن محمد سمری صادر شده، چنین آمده است:

بسم الله الرحمن الرحيم. يا علي بن محمد السمری اعظم الله اجر اخوانك فيك فانك ميت ما بينك و بين ستة أيام فاجمع أمرک و لا توص إلى أحد يقوم مقامک بعد وفاتک فقد وقعت الغيبة الثانية فلا ظهور إلا بعد إذن الله عز و جل ... ؛^۱ به نام خداوند بخشنده مهربان. ای علی بن محمد سمری! خداوند اجر برادرانت را در عزای تو عظیم گرداند که تو ظرف شش روز آینده خواهی مرد. پس خود را برای مرگ مهیا کن و به احدی وصیت نکن که پس از وفات تو قائم مقامت شود؛ زیرا دومین غیبت واقع شده است و ظهوری نیست مگر پس از اذن خدای عزوجل.

همان گونه که از متن روایت هویدا است، طبق دستور صریح امام، انتصاب هرگونه نایب خاص بعد از علی بن محمد سمری ممنوع شده است. بر همین اساس، تمامی جایگاه هایی که فقها و علمای دوران غیبت کبرا برای خود قائل هستند، نه تنها مجوز شرعی ندارد، بلکه مورد نهی امام نیز واقع شده است.

استدلال سوم: خمس، پشتوانه مالی حکومت فقها

اخذ خمس از شیعیان، یکی از شئون اصلی امامان شیعه بوده که در فقه کنونی شیعه، این جایگاه بعد از دوران حضور امام و در دوران غیبت، به فقها انتقال یافته است. الیاش بیان می کند که مراجعه دقیق به تراث روایی شیعی مشخص می کند هیچ گونه مجوز صریحی برای اخذ خمس در دوران غیبت وجود ندارد، و همین امر، اختلافات زیادی را در بین علمای شیعی باعث شده است. به عنوان نمونه، علامه حلی در کتاب تذکرة الفقهاء به نقل اختلافات فقها در موضوع خمس در دوران غیبت می پردازد و پنج نظریه را مطرح می سازد:

- حلیت خمس برای شیعیان و برداشته شدن تکلیف خمس از آن ها در دوران غیبت؛
- دفن کردن خمس در زمین؛

۱. ابن بابویه، کمال الدین: ج ۲، ص ۵۱۶، ح ۴۴.

- باید خمس نگه داشته شود تا مستقیم به دست امام برسد و اگر بیم مرگ می‌رود، باید مبلغ خمس را به وصی بدهد و این کار تا ظهور امام ادامه یابد؛
- مبلغ خمس به فقرای شیعه داده شود؛
- نیمی از مبلغ به فقرا و یتیمان داده شود و نیم دیگر نگه داشته شود تا به دست امام برسد.^۱

الیاش همچنین با ذکر آرای معاصرانی نظیر شیخ محمد جواد مغنیه^۲ و سید محسن حکیم، از مخالفت آن‌ها با ارجاع خمس به فقها در دوران غیبت حکایت می‌کند و تمام این اختلافات را ناشی از عدم نص صریحی دال بر جواز اخذ خمس در دوران غیبت توسط فقها می‌داند.^۳ این مستشرق، علاوه بر این، به نقل از حامد الگار به ذکر نمونه‌هایی از سوء استفاده علما از اموالی که تحت عنوان خمس در دست ایشان بوده است، می‌پردازد^۴ و در نتیجه گیری کلی بیان می‌کند که ادامه دادن نظام اخذ خمس در دوران غیبت، راهی برای درآمد زایی علما و تامین نیاز های مالی حکومت فقها در زمان عدم حضور امام است.

استدلال چهارم: اختلاف اخباری و اصولی، شاهی بر مخدوش بودن مرجع بودن علما در امور فقهی:

الیاش بر اساس بررسی میدانی و همچنین مطالعه کتاب‌های علمای معاصر شیعی به این نتیجه رسیده است که موضوع مرجعیت فقهی علما و شأنیت صدور فتوا توسط آن‌ها، از جمله مباحثی است که در بین خود علمای شیعی نیز محل اختلاف می‌باشد. وی در این بحث، ضمن بیانی نسبتاً جامع از آراء و دیدگاه‌های دو گروه اخباری و اصولی، چنین بیان می‌کند:

۱. الحلی، تذکره الفقهاء، ج ۵، ص ۴۴۵.

۲. ایشان عقیده دارد که سهم سادات باید به سادات فقیر داده شود و سهم امام نیز در امری مانند هزینه آموزش علوم دینی در دانشگاه‌های خارج از کشور، صرف گردد.

3. Eliash, Misconceptions regarding the Juridical Status of the Iranian 'Ulama', p. 20.

۴. به عنوان نمونه، الگار در کتاب خود به نمونه‌هایی مانند ربا دادن این اموال توسط یک عالم و یا احتکار غلات در زمان قحطی به منظور کسب منفعت بیش تر اشاره می‌کند (ر.ک: الگار، دین و دولت در ایران، ص ۴۰).

اصولی‌ها قائلند تنها مجتهدان هستند که به فهم دقیق دین و دستوره‌های الهی قادر می‌باشند و به تبع، تنها این افراد شانیت صدور حکم دارند و بر عموم مردم واجب است که دستوره‌های فقهی خود را از این گروه اخذ کنند. در مقابل، گروه اخباری عقیده دارند چون مخاطب قرآن و احادیث عموم مردم بوده‌اند؛ هر شخصی به تنهایی می‌تواند وظایف فقهی خود را کشف و به آن عمل کند و بر همین اساس، نظام مرجعیت فقهی علما مخدوش است.

الیاش منشا وجود اختلاف بین این دو گروه را فقدان حدیث و دلیل مشخصی می‌داند که در آن، به صراحت به تعیین وضعیت علما در دوران غیبت اشاره شده باشد. از نظر وی، فقدان چنین ادله‌ای موجب شده است که خود علمای شیعه نیز نتوانند حیطة اختیارات خود را در دوران غیبت به درستی تشخیص دهند و به همین دلیل به اختلاف در این مسئله دچار شده‌اند. وی در تایید فرضیه اختلاف در موضوع مرجعیت فقها، طی گزارشی به اختلافات موجود در شرایط لازم برای مرجعیت تقلید و همچنین سازکار تعیین مرجع تقلید می‌پردازد. طبق این گزارش، انتخاب مرجع تقلید، محصول شورایی است متشکل از نوادگان و فرزندان علما که در این شورا، به انتخاب اکثریت آراء، مجتهدانی به عنوان مرجع تقلید برای عموم مردم معرفی خواهند شد. وی این شیوه انتخاب را مخالف صریح مقبوله عمر بن حنظله و همچنین مورد مذمت علمایی همچون میرزا حسن حائری^۱ می‌داند.^۲

نقد ادله ژوزف الیاش بر جایگاه فقهی، سیاسی و اجتماعی علما در دوران غیبت

الیاش سعی کرده است در ارائه استدلال‌هایش، پابندی به منابع درون دینی را رعایت و با مراجعه به روایات شیعی، نظریه‌های خود را ارائه کند؛ اما اشکالات متعددی بر استدلال‌های وی وارد است که در ذیل به طور مختصر بیان خواهد شد:

۱. در مورد اشکال الیاش بر مقبوله عمر بن حنظله می‌توان گفت به دلیل اهمیت این روایت در

1. Risalat al-i'tiqadat al-imamiyyay trans. A. A. A. Fyzee, A Shi'ite Creed ,p. 107.

2. Eliash ,Misconceptions regarding the Juridical Status of the Iranian 'Ulama' ,p. 16.

بسیاری از کتاب‌هایی فقهی از آن صحبت به میان آمده و مورد تجزیه و تحلیل دقیق قرار گرفته است.^۱ معتقدان دلالت مقبوله بر اعطای مناصب سیاسی، اجتماعی برای فقها، عمده تمرکز استدلال خود را بر جمله «فائتی قد جعلته علیکم حاکما» قرار داده و عقیده دارند اطلاق واژه «حاکم» در این جمله از مقبوله، بر منصب عامی دلالت دارد که قضاوت، تنها یکی از شئون آن می‌باشد. امام خمینی عدول از لفظ «قاضیا» به «حاکما» در روایت را شاهدهی برای عمومیت حاکمیت در این روایت می‌داند.^۲ از سوی دیگر، مرحوم نایینی عقیده دارد خصوصیت مورد سوال، موجب تخصیص عمومیت جواب امام نمی‌شود و این که سوال از مورد قضاوت است، نمی‌تواند حکم کلی امام (قد جعلته علیکم حاکما) را تخصیص بزند و آن را به دایره قضاوت محدود گرداند.^۳

۲. در جواب اشکال از موضوع خمس نیز ابتدا باید عرضه داشت طرح مسئله اخذ خمس به عنوان پشتوانه مالی حکومت اسلامی، امری از اساس باطل و بی دلیل است و هیچ فقیهی برای خمس چنین کارکردی قائل نشده است،^۴ بلکه وجوه مصرف خمس، طبق صریح آیه ۴۰ سوره انفال مشخص شده است. در مورد اختلافات در موضوع اخذ خمس در دوران غیبت نیز در آثار مختلفی به این اشکال جواب داده شده است؛^۵ لکن به طور مختصر می‌توان اشاره کرد که اولاً، وجود اختلاف نظر در امر فقهی، کاملاً طبیعی است و هیچ گاه به معنای مخدوش بودن اصل آن مطلب نیست؛ ثانیاً، بر فرض صحت گزاره‌های تاریخی بیان شده توسط الیاش، باز هم سوء استفاده یک یا چندین نفر از یک امر مقدس، موجب بطلان و مردود دانستن اصل آن موضوع نمی‌شود؛ ثالثاً، مستمسک فقهایی که بر حلیت خمس در دوران غیبت فتوا داده‌اند، روایاتی

۱. به عنوان نمونه، ر. ک: حائری، القضاء فی الفقه الاسلامی، ص ۳۹ و خوئی، موسوعة الإمام الخوئی، ج ۲، ص ۹۰.

۲. امام خمینی، کتاب البیع، ج ۲، ص ۶۸۱.

۳. نایینی، المکاسب و البیع، ج ۲، ص ۳۳۶.

۴. ر. ک: سبحانی، خمس، ص ۹۰.

۵. برای مثال، مقاله تاملی در مالکیت خمس در عصر غیبت (تقی زاده و پیردهی) و یا مقاله بررسی حلیت خمس در عصر غیبت با توجه به توقیع امام عصر (سامانی و کچایی).

است که ظاهر آن‌ها بر تحلیل خمس برای شیعه در این دوران دلالت دارد؛^۱ لکن استوانه‌های فقهاتی همچون شیخ انصاری در آثار فقهی خود به تفصیل در مورد این روایات بحث کرده و آن‌ها را به نوعی خاص از خمس منصرف دانسته‌اند.^۲

۳. اما در مورد اشکال مطرح شده توسط الیاش در انحصار حق حاکمیت در امام معصوم و همچنین محدود دانستن حیطة وظایف وکلای اربعه در واسطه‌گری برای توقیعات بین امام و شیعیان نیز باید عرضه داشت که اولاً، قیاس مورد نظر، اساساً قیاس باطلی است؛ زیرا در زمان غیبت صغرا، حضور امام علیه السلام در جامعه ملموس بوده و در عمل، شیعه در مسائل سیاسی و اجتماعی، خود را به حضور معصوم متکی می‌دانسته است و این، خلاف دوران غیبت کبرا است؛ زیرا در این زمان، اسباب ارتباط ظاهری با امام منقطع شده است و شیعه باید با اتکا بر قرآن و شریعت، تمام مسائل فقهی، سیاسی و اجتماعی را خود مدیریت کند. مؤید چنین سخنی نیز این نکته است که در متون و تراث روایی قبل از الغیبه شیخ طوسی، فقط چند مورد وجود دارد که برای این افراد از لفظ نایب استفاده شده است^۳ و در تمامی موارد دیگر، لفظ به کار رفته، کلمه "وکیل" بوده است و همین امر نشان دهنده تفاوت ماهوی بین حیطة وظایف وکلای اربعه با نواب عام امام در دوران غیبت است؛ ثانیاً، محدود دانستن فعالیت‌های نواب اربعه در موضوع توقیعات، امری مردود است؛ زیرا شخصیتی مانند عثمان بن سعید دارای مرجعیت دینی در میان شیعیان بوده است؛ به گونه‌ای که افرادی مانند احمد بن اسحاق برای امور دینی خود، مراجعه به ایشان را توصیه می‌کرد.^۴ علاوه بر این، هر یک از نواب اربعه در زمان خود عهده دار اخذ وجوهات شرعی و مصرف آن در موارد خاص خود نیز بوده‌اند؛ از جمله برای رفع نیازهای

۱. به عنوان نمونه، ر. ک: طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۴۳، ح ۳۹۹ و حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۴۳، ح ۱۲۶۷۵.

۲. شیخ انصاری، کتاب الخمس، ص ۱۷۵.

۳. ابن بابویه، کمال الدین: ج ۲، ص ۴۷۸-۴۷۹.

۴. جبّاری، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه، ص ۲۳۲. و ر. ک: طوسی، الغیبه، ص ۳۶۲.

اقتصادی سادات، پرداخت صله به تازه مسلمانان و رفع مشاجرات مالی شیعیان.^۱

۴. اشکال دیگر الیاش - که در موضوع اختلاف بین اخباری ها و اصولی ها مطرح شد - از جمله موضوعاتی است که در کتاب ها و مقالات متعددی مورد بحث واقع شده و مبانی طرفین به طور کامل مشخص و مورد بررسی و نقد قرار گرفته است. هرچند توضیح این موضوع در این مجال ممکن نیست؛ آنچه گفتنی است این که در موضوع حاضر، الیاش عقیده دارد اختلاف نظر بین اخباری ها و اصولی ها گویای این مطلب است که هیچ روایت مشخصی که ثابت کننده مرجعیت فقهی برای فقها در دوران غیبت باشد، وجود ندارد؛ اما باید گفت هیچ گاه نمی توان صرف اختلاف نظر در موضوعی را به معنای تشکیک در اصل آن قلمداد کرد. تقابل اخباری و اصولی نیز نه تنها امر جدید و نوپیدایی نیست، بلکه در سده های نخستین اسلامی ریشه دارد و در قرون ابتدایی اسلام می توان گروه هایی را نام برد که در برابر پیروان متون روایت به گونه هایی از اجتهاد و استنباط دست می زدند.^۲ این اختلاف میان اخباری ها و اصولی ها در قرون ۱۰ و ۱۱ شدت بیش تری یافت؛^۳ اما ریشه این اختلاف ها در منحصر دانستن ادله استنباط احکام در متن قرآن و روایات توسط اخباری ها بود؛ در صورتی که اصولیان، منابع استنباط حکم را علاوه بر قرآن و روایات شامل عقل و اجماع می دانستند.^۴

خلاصه سخن آن که اختلاف مبانی اخباری ها و اصولی ها، در همان قرون ابتدایی اسلام ریشه دارد و مختص دوران غیبت کبرای امام علیه السلام نیست. همچنین منشا اختلاف در تعداد منابع استنباط حکم شرعی است و وجود این اختلاف، بر وجود یا عدم روایتی مبنی بر جواز و یا عدم جواز مرجعیت فقهی برای علما، دلالتی نخواهد داشت.

۱. جباری، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه، ص ۲۹۶.

۲. صدر، دروس فی علم الأصول، ج ۱، ص ۵۴ و ۵۵.

۳. مدرسی طباطبایی، مقدمه ای بر فقه شیعه، ص ۶۰.

۴. هادوی تهرانی، تاریخ علم اصول از نگاه شهید صدر، ص ۱۰۹-۱۱۲.

نتیجه‌گیری

مستشرقان معاصر هم‌چون ژوزف الیاش با تغییر شرایط زمانه و با مشاهده روند رشد شیعیان در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و همچنین مشاهده جایگاه سیاسی، اجتماعی فقها در دوران غیبت، با رویکردی جدید پا به عرصه پژوهش در این موضوع نهادند و تلاش ورزیدند با استفاده از منابع درون مذهبی، به نقد این مبحث بپردازند. در این مقاله سعی گردید در مرحله نخست به بیان ادله ژوزف الیاش در موضوع جایگاه سیاسی، اجتماعی فقها در دوران غیبت پرداخته شود و سپس بر ادله وی نقد مختصری صورت گیرد. بی‌شک وظیفه اصلی در حفظ و صیانت از مبانی حکومت اسلامی و همچنین پاسخگویی به شبهات وارد بر آن، بر عهده حوزه‌های علمیه می‌باشد. بر همین اساس، رصد شبهات وارد شده توسط مستشرقان، و تحلیل این شبهات و پاسخگویی سریع به آن‌ها یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های مراکز حوزوی و دانشگاهی می‌باشد.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد، **کمال الدین و تمام النعمة**، انتشارات اسلامیة، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۵.
۲. الگار، حامد، **دین و دولت در ایران- نقش علما در دوره قاجار**، انتشارات طوس، تهران، ۱۳۶۹.
۳. انصاری، مرتضی، **کتاب الخمس**، انتشارات گنگره، قم، ۱۴۱۵ ق.
۴. تقی زاده چاری، رمضانعلی، و پیردهی حاجیکلا، علی. **تاملی در مالکیت خمس در عصر غیبت**، فقه مقارن، شماره ۸، سال ۲۰۰۸.
۵. جباری، محمدرضا، **سازمان وکالت و نقش آن در عصرنامه**، موسسه امام خمینی، قم، ۱۳۸۲.
۶. حائری، سید کاظم، **القضاء فی الفقه الاسلامی**، مجمع الفکر الاسلامی، قم، ۱۴۱۵ ق.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ ق.
۸. حسینی، غلام احیا، **شیعه و شیعه پژوهان انگلیسی زبان**، نشر شیعه شناسی، قم، ۱۳۷۸.
۹. حلی، حسن بن یوسف، **تذکره الفقهاء**، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. خویی، سید ابوالقاسم، **موسوعة الإمام الخوئی**، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی، قم، ۱۴۱۸ ق.
۱۱. سامانی، احسان و کچایی، مجید، **بررسی حلیت خمس در عصر غیبت با توجه به توفیق امام عصر**، مشرق موعود، شماره ۵۲، ۱۳۸۸.
۱۲. سبحانی، جعفر، خمس، نشر مشعر، تهران، ۱۳۸۸.
۱۳. صدر، محمدباقر، **دروس فی علم الأصول**، مؤسسه النشر الإسلامی، قم، ۱۴۱۸ ق.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن، **تهذیب الاحکام**، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۱۶. موسوی خمینی، روح الله، **کتاب البیع**، موسسه نشر و آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۹۲.
۱۷. نایینی، محمد حسین، **المکاسب و البیع**، مقرر: محمد تقی آملی، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳ ق.

۱۸. هادوی تهرانی، مهدی، تاریخ علم اصول از نگاه شهید سید محمد باقر صدر، کتاب خرد، قم، ۱۳۷۹.

19. Risalat al-i'tiqadat al-imamiyyay trans. A. A. A. Fyzee, A Shi'ite Creed (London, 1942, p. 107.

20. Eliash, Joseph. (1969). The Ithna'ashari-Shi'i Juristic Theory of Political and Legal Authority. *Studia Islamica* *Studia Islamica*, (29), 17-30.

21. Eliash, Joseph. (1979). Misconceptions regarding the Juridical Status of the Iranian "Ulama." *International Journal of Middle East Studies*, 10(1), 9-25.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وفضلنا من علمه على ترويضنا
پژوهشنامه موعود

مجلة دراسات الموعود - فصليتان علميتان

السنة الخامسة - العدد ١١ - ربيع و صيف ١٤٠٣

تم وبناءاً على الرسالة المرقمة ١٥٧٢٨ والصادرة بتاريخ ٢٧/ ٢/ ١٤٠١ من قبل شورى إصدار ومنح التراخيص العلمية للحوزة العلمية ترقية مجلة دراسات الموعود الفصليتين من العدد الأول وجعلها في مصاف المجلات العلمية - الترويجية .
ووفقاً للمادة الأولى من الاجتماع المرقم ٦٢٥ للمجلس الأعلى للثورة الثقافية والمنعقد بتاريخ ٢١ / ٣ / ١٣٨٧، تتمتع المجلات ذات الامتياز والطابع الحوزوي بنفس الامتياز والطابع الذي تتمتع به المجلات الصادرة عن وزارة العلوم والبحوث والتكنولوجيا.

صاحب الإمتياز :

معهد الدراسات للبحوث المهدوية والموعود
للإنتظار البناء.

مركز المهدوية التخصصي التابع للحوزة العلمية في قم.

المدير المسؤول:

حجة الإسلام والمسلمين مجتبی الكلباسي

رئيس التحرير:

حجة الإسلام والمسلمين مهدي يوسفیان

المدير الإجرائي والتنفيذي وسكرتير التحرير:

حجة الإسلام والمسلمين السيد علي الكاظمي

المحرر:

ابوالفضل عليدوست

مترجم اللغة الإنجليزية:

حجة الإسلام والمسلمين حميد سعادت

هيئة التحرير (حسب الحروف):

الهي نجاد، حسين (أستاذ مساعد في معهد العلوم والثقافة الإسلامية).

بهروز لك، غلام رضا (أستاذ في جامعة باقر العلوم في قم).

سليمان بهبهاني، عبد الرحيم (أستاذ في الحوزة العلمية في قم).

شاكري زاردهي، روح الله (معيد في جامعة طهران برديس فارابي).

صفري فروشاني، نعمة الله (أستاذ في جامعة المصطفى العالمية).

عرفان، أمير محسن (أستاذ مساعد في كلية العلوم والمعارف الإسلامية في قم).

كلباسي، مجتبی (أستاذ في الحوزة العلمية في قم).

مروجي طبسي، نجم الدين (أستاذ في الحوزة العلمية في قم).

يوسفیان، مهدي (فاضل حوزوي، مدير معهد الدراسات و البحوث المهدوية والموعود للإنتظار البناء).



عنوان مكتب المجلة: شارع الشهداء(صفائية) زقاق آمار، مركز المهدوية التخصصي، معهد و مركز الدراسات المهدوية وموعود الإنتظار البويا. رقم الهاتف: ٠٢٥٣٧٨٤١٤١٠، رقم الفاكس: ١٢٥٣٧٧٢٧١٦٠ ؛

الصندوق البريدي: ٣٧١٣٥١١٩

البريد الإلكتروني: mouoodmag@gmail.com

الموقع المجلة: www.mouoodmag.ir

قناة افتراضية: @mahdaviatmag

الشابا: ٢٤١-٢٧١٧

سعر المجلة: ٣,٠٠٠,٠٠٠ ريال